



محمد جواد ظریف: همه گروه‌های تروریستی اسلام‌نما از وهابیت ریشه می‌گیرند

وزیر امور خارجه ایران با انتشار یادداشتی در روزنامه «نیویورک تایمز» به روشنگری در خصوص نقش وهابیت در سوء استفاده از نام اسلام برای مشروعیت بخشیدن به خشونت لجام گسیخته سخن گفت.

وزیر امور خارجه ایران با انتشار یادداشتی در روزنامه «نیویورک تایمز» به روشنگری در خصوص نقش وهابیت در سوء استفاده از نام اسلام برای مشروعیت بخشیدن به خشونت لجام گسیخته سخن گفت.

به گزارش خبرگزاری مهر، «محمد جواد ظریف» وزیر امور خارجه ایران در این یادداشت تلاش گروه‌های تروریستی نظیر «جبهه النصره» به تغییر نام در جهت تلطیف افکار عمومی و میانه رو جلوه دادن خود را بیهوده خواند و به کشورهای نظیر عربستان سعودی که با حمایت مالی خود موجب شکل‌گیری و ریشه دواندن افراط‌گرایی شده‌اند، یادآوری کرد که با اتکا به ثروت نمی‌توانند چهره حقیقی سیاست‌های مخرب خود را پنهان کنند.

وی در این باره نوشت: از حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ تاکنون، وهابیت جنگ طلب چند بار تغییر چهره داده اما در ایدئولوژی آن تغییری حاصل نشده است، خواه این گروه طالبان باشد یا شاخه‌های باز تولید شده القاعده و یا این به اصطلاح دولت اسلامی (داعش) که نه دولت است و نه اسلامی.

ظریف تاکید کرد که علیرغم همه این تلاش‌ها، میلیون‌ها انسانی که تجربه ظلم و ستم جبهه النصره را از سر گذرانده‌اند، هرگز زیر بار داستان جدایی آنها از جریان‌های افراطی نمی‌روند.

وی افزود: تلاش عربستان سعودی برای متقاعد کردن اربابان غربی به حمایت از راهکارهای کوتاه بینانه‌اش مبنی بر اینکه فرو بردن جهان عرب در آشوب بیشتر به نحوی به جمهوری اسلامی ایران ضربه می‌زند؛ بر مبنایی باطل استوار شده است. این توهم که بی‌ثباتی منطقه به «مهار» ایران کمک خواهد کرد و یا دشمنی ادعایی بین شیعه و سنی به درگیری در منطقه دامن زده است، با این واقعیت در تضاد آشکار است که هولناک‌ترین خونریزی‌ها در منطقه ما به دلیل کشتار برادران عرب و سنی توسط وهابیها شکل گرفته است.

ظریف ادامه داد: شاهزادگان ریاض مستأصلانه می‌کوشند تا منطقه را به شرایط دوران حکومت صدام حسین در عراق بازگردانند؛ شرایطی که در آن یک سرکوبگر ظالم دست‌نشانده، با حمایت مالی اعراب منطقه و غربی‌های خوش‌خیال با تهدید موهوم ایرانی مقابله می‌کرد. اما آنها با یک مشکل اساسی روبرو هستند و آن این است که صدام مدتهاست که مرده و ساعت زمان را نمی‌توان به عقب کشید. هرچه زودتر حاکمان سعودی با این واقعیت کنار بیایند، به نفع همه خواهد بود. واقعیات جدید منطقه ما حتی می‌تواند پذیرای ریاض باشد، چنانچه سعودیها مشی فعلی خود را تغییر دهند.

وهابیت گرچه بخش بسیار ناچیزی از مسلمانان را جذب نموده، لیکن آثار بسیار ویران‌کننده‌ای برجای گذاشته است. تقریباً تمامی گروه‌های تروریستی که از نام اسلام سوءاستفاده می‌کنند، متأثر از این فرقه مرگبار بوده‌اند. جهان دیگر نمی‌تواند نظاره گر کشتار نه تنها مسیحیان، یهودیان و شیعیان بلکه سنی‌ها توسط وهابی‌ها باشد.

متن کامل یادداشت ظریف به شرح زیر است:

این روزها شرکتهای روابط عمومی و تبلیغاتی غرب که ابایی از دریافت دلارهای نفتی ندارند، فرصت بی‌سابقه‌ای برای رسیدن به درآمدهای هنگفت یافته‌اند.

جدیدترین پروژه تبلیغاتی آنها اینست که ما را متقاعد سازند که جبهه النصره، شاخه القاعده در سوریه، دیگر وجود ندارد و همانگونه که یکی از سخنگویان جبهه النصره در شبکه CNN، اعلام نموده است این گروه تغییر نام داده، از تروریستهای القاعده جدا شده و «معتدل» گشته‌است!

این گونه تعصب و کوتاه فکری جاهلیت را بعنوان چشم انداز روشنی برای قرن ۲۱ عرضه می‌دارند. لیکن مشکل مشتریان ثروتمند این مؤسسات تبلیغاتی، که غالباً سعودیهایی هستند که جبهه النصره را حمایت گسترده مالی می‌کنند، اینست که اسناد موجود در خصوص سیاستهای ویرانگر آنان قابل اصلاح، دستکاری و حذف نیست.

چنانچه تاکنون ابهامی وجود داشت، صحنه‌های پخش شده از گردن زدن یک پسر بچه ۱۲ ساله توسط این به اصطلاح «معتدلین» نمایش دلهره آوری از واقعیت موجود است.

از حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ تاکنون، وهابیت جنگ طلب چند بار تغییر چهره داده اما در ایدئولوژی و مشی بنیادی آن تغییری حاصل نشده خواه این گروه طالبان باشد یا شاخه‌های بازتولیدشده القاعده و یا عناصر به اصطلاح دولت اسلامی، که نه دولت است و نه اسلامی. میلیون‌ها نفر که قساوت‌های جبهه النصره را تجربه کرده‌اند، داستان ساختگی جدایی جبهه النصره از القاعده را باور نخواهند کرد.

سوابق نشان می‌دهد که تلاش برای تطهیر جبهه النصره با این هدف صورت می‌گیرد تا ارسال دلارهای نفتی به گروه‌های افراطی در سوریه که تا قبل از این با شیوه‌های پنهان صورت می‌گرفت، در آینده بطور علنی و آشکار انجام پذیرد و حتی برخی دولت‌های غربی را وسوسه نماید تا از این به اصطلاح «معتدلین» حمایت نمایند. حضور غالب النصره در اتحاد فعلی مخالفین دولت سوریه درحلب، واقعیتی است که تمامی این تبلیغات را مردود می‌سازد.

تلاش عربستان سعودی برای متقاعد ساختن ولی نعمتان غربی اش به حمایت از سیاست‌های کوتاه بینانه اش بر مبنای باطل استوار شده که فروبردن جهان عرب در آشوب بیشتر به نحوی به جمهوری اسلامی ایران ضربه می‌زند.

این توهم که بی‌ثباتی منطقه به «مهار» ایران کمک خواهد نمود و یا دشمنی ادعایی بین شیعه و سنی به درگیری در منطقه دامن زده، با این واقعیت در تضاد آشکار است که هولناک‌ترین خونریزی‌ها در منطقه ما به دلیل کشتار برادران عرب و سنی توسط وهابی‌ها شکل گرفته است.

درحالی‌که افراطیون با حمایت اربابان ثروتمند خود به کشتار مسیحیان، یهودیان، یزیدیها، شیعیان و سایر «مرتدین» مشغولند، ولی در واقع این اعراب سنی کشورهای منطقه هستند که بیشترین خسارات را از سوی این تفکر صادراتی نفرت تحمل کرده‌اند.

در واقع امروز نه اختلاف موهوم تاریخی میان شیعیان و اهل سنت، بلکه مقابله وهابیت و شریعت راستین اسلام در جریان است؛ مقابله ای که نتایج و آثار عمیقی در منطقه و دیگر نقاط جهان بر جای خواهد گذاشت.

تردیدی نیست که حمله به عراق به سردمداری امریکا در سال ۲۰۰۳ درگیری‌هایی را که امروز شاهد آن هستیم براه انداخت و تشدید نمود؛ لیکن عامل عمده خشونت، ایدئولوژی نفرت افکن وهابیت و مورد حمایت عربستان سعودی بوده است، گرچه این امر تا واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ از انظار غربی‌ها مغفول مانده بود.

شاهزادگان ریاض مستأصلانه می‌کوشند تا منطقه را به شرایط دوران حکومت صدام حسین در عراق بازگردانند؛ شرایطی که در آن یک سرکوبگر ظالم دست‌نشانده، با حمایت مالی اعراب منطقه و غربی‌های خوش خیال با تهدید موهوم ایرانی مقابله می‌کرد.

اما آنها با یک مشکل اساسی روبرو هستند: صدام مدتهاست که مرده و ساعت زمان را نمی‌توان به عقب کشید. هرچه زودتر حاکمان سعودی با این واقعیت کنار بیایند، به نفع همه خواهد بود. واقعیات جدید منطقه ما حتی می‌تواند پذیرای ریاض باشد، چنانچه سعودیها مشی فعلی خود را تغییر دهند.

منظور از تغییر چیست؟ طی سه دهه گذشته ریاض دهها میلیارد دلار برای صدور وهابیت از طریق هزاران مسجد و مدرسه دینی در سراسر جهان هزینه کرده است. از آسیا تا افریقا و از اروپا تا امریکا این عقیده منحرف ویرانی عظیمی بر جای گذاشته است. همانگونه که یکی از افراطیون سابق در کوزوو به نیویورک تایمز گفت، «سعودیها با پولهایشان اسلام را در این منطقه (بالکان) کاملاً تغییر داده‌اند».

وهابیت گرچه بخش بسیار ناچیزی از مسلمانان را جذب نموده، لیکن آثار بسیار ویران کننده ای برجای گذاشته است.

تقریباً تمامی گروه‌های تروریستی که از نام اسلام سوءاستفاده می‌کنند (از القاعده و انشعابات آن در سوریه تا بوکوحرام در نیجریه) متأثر از این فرقه مرگبار بوده‌اند.

سعودیها تاکنون توانسته‌اند با استفاده از «برگ ایران» متحدان خود را به همراهی با نابخردی خود در سوریه و یمن ترغیب

کنند. این وضعیت بدون تردید تغییر خواهد کرد؛ چرا که امروز حمایت مستمر ریاض از افراطی گری جنگ طلب بطلان ادعای سعودی بعنوان نیروی ثبات آفرین را به اثبات رسانده است.

جهان دیگر نمی تواند نظاره گر کشتار نه تنها مسیحیان، یهودیان و شیعیان بلکه سنی ها توسط وهابی ها باشد. در شرایطی که آشوب بخش های زیادی از خاورمیانه را فراگرفته، این خطر بزرگ وجود دارد که چند نقطه با ثبات باقی مانده نیز در درگیری بین وهابیت و اهل سنت دچار بی ثباتی گردند.

لازم است اقدامی هماهنگ در سازمان ملل متحد با هدف قطع حمایت مالی از ایدئولوژی های مبتنی بر نفرت و افراط صورت گرفته و جامعه جهانی در رسیدگی به موضوع کانالهای ارسال پول و اسلحه به تروریستها فعالتر عمل نماید.

در سال ۲۰۱۳ رئیس جمهور ایران، دکتر حسن روحانی، پیشنهاد جهان عاری از خشونت و افراطی گری را ارائه نمود.

ضروری است ملل متحد برآن اساس، به برقراری گفتگوی گسترده تر بین ادیان و مذاهب بمنظور مقابله با این عصبیت خطرناک قرون وسطایی اقدام نماید.

حملات اخیر در شهرهای نیس، پاریس و بروکسل باید دنیای غرب را متقاعد ساخته باشد که تهدید سمی وهابیت را نباید مورد غفلت قرار داد. بعد از سالی که هر هفته اش مملو از اخبار فاجعه بار بود، لازم است جامعه جهانی دست به اقدامی فراتر از ابراز انزجار، ناراحتی و تسلیت بزند. آنچه امروز بدان نیازمندیم، اقدام عملی علیه افراطی گری است.

گرچه بیشتر خشونت های اعمال شده با سوء استفاده از نام اسلام ریشه در وهابیت دارد، لیکن به هیچ عنوان پیشنهاد نمی کنم که عربستان سعودی نمی تواند بخشی از راه حل باشد. کاملاً برعکس، ما از حاکمان سعودی می خواهیم تبلیغات مبتنی بر اتهام و هراس را رها نموده و با سایر اعضای جامعه جهانی در از بین بردن آفت تروریسم و خشونت که همه ما را تهدید می کند همکاری کنند.